

در دوران ۱۵۰ ساله حکومت قاجاریه به ایران شاهد قراردادهای ننگین شاهان این سلسله با قدرتهای استعمارگر جهان هستیم و به بیانی دیگر در این دوره تاریخی ضربه های مهلکی بر استقلال ایران وارد شده است که ذیلاً بطور اختصار بخشی از این قراردادها را تحلیل می کنیم. در اوایل حکومت قاجاریه، ایران یک کشور مستقل و تاحدی بر قدرت بود، ولی بتدریج هم قدرت خود و هم استقلال خود را از دست داد. بطوریکه در نیمه دوم قرن نوزدهم بیک کشور نیمه مستعمره مبدل گردید. استبداد حاکم بر ایران در زمان قاجاریه که توأم با عیاشی و خوشگذرانی شاهان و ولیمهدا و امیران ایالات بود، سبب ناتوانی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور گشت. رشد کشورهای اروپایی در پی انقلاب صنعتی قرن هجدهم نیز سبب افزایش شکاف بین ایران و کشورهای اروپایی گردید. بدین ترتیب در اولین جنگ رسمی که بین ایران و روسیه صورت گرفت، ارتش ایران شکست سختی خورد و قسمتی از سرزمین پدري ما به روسیه واگذار گردید و ایران تن به قراردادهای استعماری با ابرقدرتهای آن زمان داد.

پیمان ایران و انگلستان.

انگلستان برای حفظ منافع خود (در هندوستان) در قبال حمله فرانسویان بر آن شد تا قراردادی با دولت ایران بسته تا در مقابل حمله فرانسویان از طریق خاک ایران به هندوستان، دولت ایران نفع انگلستان و اکش نشان دهد. به همین خاطر سال ۱۱۷۰ شمسی سروان مالکم نماینده دولت انگلیس از هندوستان وارد ایران شد تا به عقد قراردادی با فتحعلی شاه مبادرت ورزد. مالکم بوسیله تطمیع و رشوه توانست بسال ۱۱۸۰ پیمانی سیاسی و بازرگانی بین ایران و انگلیس منعقد کند که بموجب آن شاه متعهد شد، هنگامیکه دولت افغانستان به قلمرو بریتانیا در هندوستان تجاوز کند، دولت ایران به افغانستان حمله ور شود و با آن کشور هیچگونه پیمان صلحی نبندد، مگر از ادعای خود مبنی بر اشغال سرزمین های متعلق به انگلستان صرف نظر کند.

ضمناً ایران ملزم شد که از مذاکره با فرانسویان خودداری کند و هیئت نمایندگی فرانسه را از ایران رانده و اجازه اقامت را به آنها ندهد.

انگلستان نیز متعهد شد که ساز و برگ و اسلحه و مهمات ارتش ایران را هنگامیکه مورد حمله فرانسویان یا افغانان قرار گیرد تامین کرده و هنگام تیرگی روابط ایران و روسیه از ایران حمایت نماید.

در زمینه بازرگانی، بازرگانان انگلیسی و هندی بموجب این پیمان امکان یافتند آزادانه در کلیه بندرهای جنوبی ایران اقامت گزینند و بدون پرداخت حقوق گمرکی به ایران ماهوت، فرآورده های فولادی و آهنی را وارد کشور کنند.

نگاهی به

قراردادهای استعماری در زمان قاجاریه

* بموجب پیمان بین

ایران و فرانسه بسال ۱۱۸۶

برای اولین بار در تاریخ

ایران اتباع فرانسه از امتیاز

کاپیتولاسیون برخوردار

شدند.

* در زمان فتحعلی

شاه بر اثر ناتوانی سیاسی و

اجتماعی تزار موقعیت را

مناسب و گرجستان را

ضمیمه امپراطوری خود

کرد.

در دوره قاجاریه این اولین قرارداد استعماری است که بوسیله امپریالیسم انگلستان بر ایران تحمیل میشود. از متن قرارداد چنین استنباط میشود که گردانندگان سیاست آن زمان ایران نه بونی از سیاست برده و نه شعور تشخیص کوچکترین مسئله سیاسی را داشته‌اند و هیچ توجهی به شگردهای دولت انگلیس نکرده. بطوریکه ناگاهانه در اختیار مظالم آنها قرار می‌گیرد.

انگلیس برای حفظ منافع خود در هندوستان می‌خواهد مانع یا پیش‌قراولی در مقابل دیگر قدرت استکباری آن زمان یعنی فرانسه داشته باشد و بهترین مهره برای این حرکت را شاه ایران انتخاب میکند و در زمانی که ایران حتی تاحدنیستنا زیادی قدرتمند است تن به عقد چنین قرارداد ننگینی میدهد. در رژیم‌های ضدمردمی یکی از خصایص بارز آنها فاسدبودن افراد حاکم می‌باشد که بانواع فساد اشتهار داشته و تنها معیار برخوردشان با مسائل منافع آنهاست و مصالح کشور تابعی از آن می‌باشد و در سطوح پایین حاکمیت نیز چنین است به همین خاطر این افراد با گرفتن مبالغی بعنوان رشوه کاتالیزوری در جهت منافع بیگانه میشوند و بدین دلیل در این قرارداد رشوه و تطمیع جایی و مکانی دارد.

در این پیمان مشاهده می‌کنیم که ایران ولی حکومت انگلیس در قبال حمله احتمالی کشور ضعیفی مانند افغانستان آن هم، به هندوستان میشود. مثل این است که هندوستان سرزمین آباو اجدادی انگلیس و موطن اصلی آنها بشمار میرود و انگلیس آنقدر ضعیف است که احتیاج به کمک دارد. ضمناً ایران نه تنها حق صحبت با دولت فرانسه را نداشته، بلکه حتی باید هیئت نمایندگی فرانسه را از ایران براندو اجازه اقامت به آنها ندهد. بگذریم از اینکه فرانسه سیاست استعماری داشت و در پی منافع خود بوده، انگلیس در آن روزگار با رقیب خود فرانسه تضاد منافع داشت و ایجاد میکرد که باتمام قدرت در مقابل آن بایستد، به همین لحاظ از هرفرست و موقعیتی استفاده میکرد.

در بند دیگر این پیمان آمده «در زمینه بازرگانی، بازرگانان انگلیسی و هندی...»

این بند قرارداد نیز ضربه مهلکی بر اقتصاد روه اضمحلال ایران وارد کرد. گردانندگان مملکت مادران روزگار هیچ توجهی نداشتند هنگامیکه چنین امتیاز بزرگی بکشوری مانند انگلیس داده میشود عواقب آن بکجا می‌انجامد.

هنگامیکه برای ورود کالاها دولت انگلیس، حتی حقوق گمرکی که اولین اصل و حق یک کشور در یک مبادله بین‌المللی است از آنها گرفته نشود، ادامه این جریان چه سیری را طی خواهد کرد؟ بازرگانان انگلیسی و هندی در کلیه بنادر جنوبی ایران اقامت گزیدند و این باتوجه به وسایل بسیار کم حمل و نقل دریایی ایران در آن زمان و سیاست

* استبداد حاکم بر ایران در زمان قاجاریه که توام با عیاشی و خوشگذرانی شاهان و ولیعهدها و امیران ایالات بود، سبب ناتوانی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور گشت.

سلطه جویسی انگلیس به عمق این مسئله بیشتر آشنا میشویم.

از نظر اقتصادی، از یکطرف آنها بدون پرداخت حقوق گمرکی کالا به ایران وارد میکردند یا کالای موردنیاز خود را از ایران خارج کنند و از طرف دیگر بنادر در اختیار آنها بود، از نظر سیاسی، ایران ضمن قبول هندوستان بعنوان یک قسمت از خاک انگلیس، مدافع سرزمین‌های باصطلاح متعلق به این کشور در قبال حمله افغانستان و فرانسه باشد. این قرارداد اسارت اقتصادی و سیاسی را باهم داشت، تنها امتیازی که ایران در قبال این همه امتیاز از دست رفته بدست آورد، این بود که اسلحه و مهمات ارتش ایران را هنگامیکه مورد حمله افغانستان و فرانسه واقع شد تامین کند و بدیهی است که جنگ ایران با این دو کشور در رابطه با منافع انگلیس بود، که در متن قرار داد با آن اشاره شده، فقط میماند در قبال حمله روسیه به ایران که بعد خواهیم دید که در جنگ‌هایی که بین ایران و روس روی میدهد، نه تنها انگلیس کوچکترین کمکی نمیکند، بلکه خود پیشنهاد عقد دو قرارداد ننگین معروف گلستان و ترکمن‌چای میگردد و بدین ترتیب حاکمان بی‌خرد آن روزگار ایران، بر احوالی در اختیار دولت‌های استعماری آن زمان قرار گرفتند.

جنگ اول ایران و روس و قرارداد گلستان

مقارن حکومت قاجاریه امپراطوری روسیه یک کشور پر قدرت بود که مانند دیگر غارتگران در پی تصرف سرزمین‌های متعلق بکشورهای دیگر بود و به همین خاطر، سرزمین‌های مرزی خود با

ایران، نظیر گرجستان را تحریک و آنها را تشویق بشورش میکرد لشگر کشی آغا محمد خان به گرجستان و تصرف مرکز آن تفلیس، ناشی از این مسئله بود و توانست به غائله آنجا خاتمه دهد. ولی بر اثر ناتوانی سیاسی و اجتماعی موجود در زمان فتحعلی‌شاه، تزار روس موقعیت را مناسب دید و گرجستان را ضمیمه امپراطوری خود کرد، شاه ایران در اردیبهشت ۱۱۸۳ از روسیه خواست موجب بروز جنگ بین دو کشور در تیر ماه سال ۱۱۸۳ شمسی نزدیک احمیادین بین ارتش روس فرماندهی تستیانوف و ارتش ایران فرماندهی عباس میرزا شد که ارتش ایران ابتدا به پیروزیهایی دست یافت ولی عدم حمایت و رساندن آذوقه و مهمات بموقع از طهران سبب گشت که ارتش ایران شکست خورده و بسال ۱۱۸۴ شکست، شیروان و قره‌باغ بتصرف ارتش روس در آید.

موجب پیمان ۱۱۸۵ ایران و انگلیس، شاه مداخله انگلیسها بسود ایران را تقاضا کرد، اما انگلیسها که همیشه سرلوحه سیاست آنها تزویر بوده و هست! از اجرای این ماده قرار داد فوق امتناع کردند، همچنین بسال ۱۱۸۵ نیروهای روسی در بند، باکو، سالیانی، مغان و شهرهای دیگر ماوراء قفقاز را به تصرف در آوردند.

در آبان ۱۸۱۱ نبردی در نزدیکی اسلاندوز در گرفت، در این نبرد ارتش روس، ارتش ایران را که فرماندهی آن با عباس میرزا بود سختی شکست داد؛ و سرانجام پیمان صلح گلستان در ۲۲ آبان ۱۸۱۱ با روسیه امضاء شد.

در این پیمان داغستان، گرجستان با ایالت شوراکل، امپرتی - گوری - مینگولی و آنجازی - خان نشین‌های قره‌باغ - گنجه - شکس - شیروان - دربند - کوابین - باکین و طالش به روسیه ملحق شد و شاه ایران از ادعای مالکیت و حاکمیت بر این سرزمین‌ها چشم پوشید.

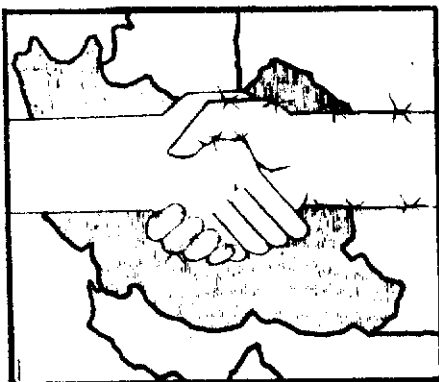
دولت روسیه متعهد شد اگر ضرورت پیدا کرد شاهزاده ولیعهد را در اشغال تخت شاهی ایران کمک کند.

در این قرارداد قید گردید که اگر میان فرزندان شاه ستیزی درگیرد، مادامیکه شخص شاه تقاضا نکند، روسیه در نزاع آنها دخالت نکند در ماده‌ای دیگر این پیمان قید گردید که روسیه استثنائاً حق اعزام ناوگان جنگی را بدریای مازندران دارد. اما ایران از داشتن ناوگانی در این دریا چشم پوشید.

بازرگانان هر دو کشور حق بازرگانی آزاد در کشور دیگر را داشتند. عوارض گمرکی نسبت به کالاها وارداتی هر دو کشور ۵٪ بهای کالاها تعیین گردید. و این شرط بدین خاطر در پیمان قید گردید که:

اولاً بازرگانان روسی از پرداخت عوارض و مالیاتهای دیگر در ایران معاف باشند و ثانیاً در این بقیه در صفحه ۲۵

نگاهی به قراردادهای ...



* انگلیسها که همواره سرلوحه سیاست آنها تزویر بوده و هست از اجرای ماده مربوط به تهیه اسلحه و مهمات ارتش ایران در قرارداد ۱۱۸۰ خودداری کردند.

گمرکی برای طرفین به میزان ۵٪ تعیین می شود. از ظاهر این مواد چنین بر می آید که طرفین حقوق مساوی داشته و حق هر دو محفوظ میماند ولی باید توجه داشت این مسئله موقعی صادق است که دو کشور مورد مبادله، قدرت مساوی داشته باشند، ولی در این قضیه سواره روسیه و پیاده ایران است! و واضح است که مبادله به نفع چه کشوری است ولی ماده آخر قرارداد چیز جالبی را بیان میکند و آن حمایت دولت ایران از بازرگانان روسی یعنی تضمین به یغما بردن منافع مردم و عدم پرداخت عوارض متعلقه و این بدان معناست که آنها حتی از کشور خود آزادانه تر و با اختیار بیشتر به مبادله بپردازند.

پیمان ایران - فرانسه

فرانسه در آن روزگار از قدرتهای استعماری بود که سعی بر تسلط بر کشورهای دیگر داشت و تضاد

این کشور با انگلیس سبب کشمکشهایی بین آن دو میشد. ناپلئون برای تصرف هندوستان به دنبال پلی میگشت که از طریق آن به هندوستان حمله کند و برای این منظور مبادرت به انتخاب ایران کرد، لذا در پی عدم انجام تعهد قید شده در پیمان بین ایران و انگلیس مبنی بر حمایت از ایران در جنگ با روسیه در قرارداد ۱۱۸۰ و شکست ارتش ایران در جنگ با روسیه و از دست رفتن مناطق وسیعی از خاک ایران، فتحعلی شاه بر آن شد تا پیشنهاد فرانسویان مبنی بر بستن پیمان با آن کشور را پذیرفته و به عقد قراردادی با آنها مبادرت ورزد.

بسال ۱۱۸۶ شمسی در قرارگاه ناپلئون قراردادی منعقد شد که بموجب آن شاه ملزم شد روابط سیاسی و بازرگانی خود را با انگلستان قطع کند و به آن دولت اعلان جنگ دهد، افغانستان را هم راضی کند که برای عبور ارتش فرانسه از راه ایران - افغانستان بسوی هندوستان، راه دهند و خوار و بار ارتش فرانسه را در ایران تامین کند و بنادر ایران واقع در خلیج فارس را برای ناوگان فرانسه بگشاید. هر دو طرف متعهد شدند که در مورد جنگ یکی از طرفین با روسیه، مشترکاً علیه آن دولت وارد جنگ شوند. ناپلئون وعده داد روسیه را و اخواهد داشت تا گرجستان را به ایران پس بدهد، ضمناً متعهد شد اسلحه و ساز و برگ و مهمات ارتش ایران را تامین کند.

علاوه بر پیمان فوق یک پیمان بازرگانی میان ایران و فرانسه منعقد کرد و به موجب آن اتباع فرانسه در ایران از امتیاز کاپیتولاسیون برخوردار شدند و همچنین ضمن یک پیمان بازرگانی، حقوق و امتیازاتی به اتباع و بازرگانان فرانسه داده شد که مرجع حل و فصل دعاویشان کنسولگریهای فرانسه بود.

باز گرداندگان سیاسی آن روزگار، ایران فریب دیگری از فرانسه قدرت استعماری آن زمان خورده و به عقد قراردادی مشابه با قرارداد انگلیس می پردازند.

آنها متوجه این مسئله نبودند که در میان کار زار روش فرانسویها چندان تفاوتی با انگلیسها نخواهد داشت، در این قرارداد فرانسه تعهد کرد که گرجستان را به ایران باز خواهد گرداند و مهمات و لوازم و ساز و برگ جنگی در اختیار ارتش ایران بگذارد، ولی پایان معرکه چیزی جز فریب دوباره فتحعلی شاه نیست. زیرا صلح تیلزیت بسال ۱۱۸۸ شمسی بین روسیه و فرانسه منعقد میگردد و ناپلئون از کمک بایران ممانعت می نماید. در این قرارداد آشکاراست که هدف استراتژی فرانسه تصرف هندوستان می باشد و برای این منظور موافقت ایران را برای استفاده از امکانات بی حد و حصر، از بنادر گرفته تا تامین خوار بار ارتش خود را، می گیرد و باز طبق پیمان بازرگانی منعقد شده امتیازات گرانقدری به فرانسویها داده و حتی برای اولین بار حاکمیت سیاسی ایران را به اعطای حق کاپیتولاسیون زیر علامت سنوال می برد.

موارد دولت ایران از آنها حمایت نماید. چنانچه از مفاد این قرارداد بر می آید، قسمتی از سرزمین های آباء و اجدادی ما تقدیم امپراطوری روسیه میگردد و در عوض فتحعلی شاه تعداد زنان حرمسرا را افزایش میدهد تا تنوع بیشتری در عیاشی و خوشگذرانی نصیبش شود.

موقعیت استراتژی گرجستان احتیاج به بررسیهایی دارد که در خور این مقوله نیست فقط اشارتی به موقعیت جغرافیایی گرجستان می کنیم. جمهوری گرجستان بین دو دریای خزر و سیاه واقع می باشد و از نظر آب و هوا و موقعیت زمین برای کشاورزی بسیار مناسب و بخصوص محصولات زمینی مانند غلات، حبوبات و محصولات درختی است.

با از دست دادن این ایالت و شهرهای تابعه آن، ایران امتیاز دیگری را از دست داد و آن بهره جستن از موقعیت دریای سیاه و بخشی از دریای خزر که میشد هم از امکانات بندری و هم از آب فراوان این دو دریا استفاده نمود و در عین حال از فراورده های دریایی آنها نیز بهره برد.

از دست دادن منطقه حاصلخیز گرجستان سبب کاهش محصولات کشاورزی گردید و در نتیجه ضربه بعدی بر پیکره اقتصاد کشور ما وارد شد و زمینه بیشتری برای وابسته کردن کشور آماده کرد. یکی از مواد این قرارداد کمک روسیه برای باز پس گرفتن تخت شاهی ولیعهد می باشد، چنین بنظر میرسد که مثل اینکه جنگ پسر تخت شاهی ایران بوده که چنین ماده ای را در آن گنجانیده اند و جالب اینکه اگر بین فرزندان شاه ستیز در گرفت ما دامیکه شاه تقاضا نکند روسیه در نزاع آنها دخالت نکرده یعنی در صورت احتیاج از روسیه کمک گرفته شود. با گنجانیدن این ماده در قرارداد که هیچ ارتباط و جایی در آن نداشته بدین نتیجه می رسیم که مستبدان تاریخ همواره حکومت کردن بر مردم برای آنها مطرح می باشد و از هیچ وسیله و کمکی برای به اجرا در آوردن آن عدول نکرده، حتی اگر به قیمت خون هزاران نفر یانه از دست دادن قسمتی از کشور باشد، هیچ کدام برای مستکبران مطرح نیست. وقتی که از روسیه برای بازگرداندن تاج و تخت کمک خواسته شود معلوم است که برای موازنه این مبادله در طرف دیگر آن بایست منافع مردم فدا شود. توجه کنید روسیه حق اعزام ناوگان دریایی خزر را دارد ولی ایران از چنین حقی صرف نظر میکند.

رفت و آمد بازرگانان دو کشور آزاد و عوارض